

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

بررسی و تحلیل انسان شناسی در قصاید عرفانی عطار

۱- علی کیانی زادمهر

۱- دانشجوی ارشد ادبیات فارسی گرایش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهر کرد

Email: ali.kiani.zadmehr.1374@gmail.com

چکیده

موضوع انسان شناسی از مباحث مهم حوزه عرفان نظری است که از دیر باز مورد توجه فلاسفه و ادیبان بوده است و شعرای بزرگ و صاحب سبک ایران نیز به این موضوع مهم توجه داشته‌اند. عطار نیشابوری از شعرای عارف مشهور ادب فارسی برای بیان اندیشه‌ها و تفکرات خود، قالب قصیده را به خدمت گرفته و به بیان بسیاری از مضامین عرفانی و اخلاقی در این حوزه پرداخته است. این شاعر در موضوع انسان شناسی دو نگرش یا رویکرد مثبت و منفی دارد، در رویکرد مثبت انسان را شایسته ستایش و بزرگداشت و در رویکرد منفی سزاوار نکوهش و خوارداشت می‌بیند و جنبه‌های مختلفی از روح و جسم و رابطه آنها را در انسان در بررسی می‌کند.

کلمات کلیدی: عطار، قصاید عرفانی، انسان شناسی

مقدمه و هدف

انسان شناسی یکی از کهن‌ترین مباحثی که از دیرباز مورد توجه متفکران و اندیشمندان بوده است، مبحث انسان شناسی است. امروزه انسان شناسی یا مردم شناسی به عنوان یکی از شاخه‌های علوم اجتماعی در میان اهل تحقیق شناخته می‌شود.

دو اصطلاح انسان شناسی و مردم شناسی بازگردان واژگان (Anthropologie) و (Ethnoplologie) است که در لغت هم معنا و معادل‌اند. اولی از ریشه یونانی (Anthropos) به معنی انسان و دومی از ریشه یونانی (Ethnos) به معنی قوم و مردم گرفته شده است. واژه آنتروپولوژی برای اولین بار توسط ارسطو مورد استفاده قرار گرفت و منظور او علمی بود که در جهت شناخت انسان تلاش می‌کند. (فرید، ۱۳۸۰، ص. ۳)

ارسطو انسان را حیوان ناطق نامید و کوشید با این اصطلاح به جنبه جسمانی انسان و جنبه اعلای وجود او یعنی تفکر و اندیشیدن به عنوان مهم‌ترین عامل تمایز انسان و حیوان اشاره کند؛ اما حیوان نامیدن انسان و توجه افراطی به جنبه جسمانی و مادی وجود او باعث شکل‌گیری مکاتب و رویکردهایی گردید که همه ملاک‌ها و مقیاس‌ها را در بعد مادی انسان جست‌وجو می‌کنند یکی از این مکاتب فکری که حاصل تفکرات غربی است، مکتب اومانیسیم نام دارد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

با وجود تعریف‌ها و معانی گوناگون برای اومانیسم می‌توان گفت تاکنون دو معنای آن یعنی معنای ادبی و معنای فلسفی بیشتر رواج یافته است. نیز از میان این دو، معنای فلسفی آن امروزه بیشتر مطرح است؛ زیرا در دل خود به معنای ادبی نیز توجه دارد. اومانیسم به معنای فلسفی آن همان انسان‌سالاری و بشرانگاری یا اعتقاد به اصالت بشر در برابر اعتقاد به اصالت خداست. این مکتب انسان را یگانه حقیقت جهان آفرینش می‌داند و به جای خدا می‌نشانند؛ یعنی اومانیسم در شکل افراطی‌اش در تضاد با خدامحوری یا خداگرایی است و هرگونه اندیشه متافیزیکی مانند وحی الهی و ادیان آسمانی را نفی می‌کند و بشر را مالک الرقاب هستی و فرمانروای مطلق طبیعت می‌انگارد. (زرشناس، ۱۳۸۱، ص. ۳۸-۳۹)

انسان‌شناسی مورد توجه دانشمندان علوم تجربی نیز قرار گرفته است که حاصل آن شکل‌گیری رشته انسان‌شناسی زیستی در این حوزه است.

مراد از انسان‌شناسی زیستی، مطالعه خصوصیات زیستی و بدنی تکامل و تطور انسان و اختلافات زیستی موجود میان انسان‌هاست. این علم به مطالعه منشاء تغییرات و تفاوت‌های موجود میان افراد یک گروه از یک طرف و جمعیت‌های مختلف انسانی از طرف دیگر می‌پردازد، در انسان‌شناسی زیستی مطالعه اختلاف موجود میان انسان‌ها با توجه به رشد و نمو و اختلاف تشریحی امری ضروری است. مقایسه وضع فیزیولوژیک متابولیک و بیوشیمی بدن در گروه‌های مختلف انسانی نیز انجام می‌شود، انسان‌شناسی زیستی همچنین تفاوت در اندازه‌گیری‌های بدن را میان افراد مختلف از یک طرف و میان گروه‌ها و از طرف دیگر مطالعه و مقایسه می‌کند. (مشایخی، ۱۳۹۱، ص. ۲۴۴)

در دین اسلام و ادیان الهی نگاه ویژه و متعالی به انسان می‌شود.

از آنجا که ادیان الهی برای سعادت بشر نازل شده است؛ در زمینه انسان‌شناسی سخنان بسیار دارد. مهم‌ترین موضوع ادیان الهی پس از خدا، انسان است؛ بنابراین دین درباره مبدأ چگونگی و هدف آفرینش انسان کمال و سعادت و راه دستیابی به آن و همچنین سایر موضوعات مربوط به او مطالب مهمی را ارائه کرده است. (گرامی، ۱۳۹۴، ص. ۲۹)

در نظرگاه دینی انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات برترین آفریده خداوند است و مقام خلیفه الهی را کسب می‌کند و مسجود ملائک قرار می‌گیرد. همچنین دین دستورالعمل‌ها و احکام مورد نیاز برای سعادت و بهره‌مندی از نعمات الهی را نیز در اختیار او قرار می‌دهد. اما گروه دیگری از مسلمانان که بعدها واژه‌های عارف و صوفی از میان آنها به وجود آمد، رویکرد خاصی از انسان ارائه دادند. عرفا نظام هستی را بر مبنای نظام چینش اسمایی در نظر گرفتند، به طوری که هر موجودی را نماینده یکی از اسماء خداوند قلمداد نمودند و موجودی را که نماینده عالی‌ترین اسم خداوند یعنی «الله» است را انسان دانستند و او را خلاصه و چکیده کلام هستی مد نظر قرار داده‌اند. در نظر گاه عرفانی، انسان با اجرای برنامه عملی ویژه به کسب مقامات عالی در نهایت مقام انسان کامل نائل می‌شود و اجازه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دخل و تصرف در امور هستی در پرتو اراده خداوند را می‌یابد. در میان عرفای مسلمان عطار در زمینه انسان‌شناسی نظریاتی را بیان کرده که هدف ما در این مقاله بررسی رویکردهایی است که او در قصاید خود به آن پرداخته است.

تئوری و پیشینه تحقیق

- ۱- بررسی تطبیقی دیدگاه انسان‌شناسی در عطار نیشابوری و افلوطنین، فاطمه صغری، باقری، ۱۳۹۳
- ۲- بررسی تطبیقی انسان‌شناسی عرفانی و مولانا، خیاطیان، خادمی، ۱۳۹۵
- ۳- انسان آرمانی در اندیشه عطار نیشابوری با رویکرد به عرفان اسلامی، قاسمی، شهین، ۱۳۹۴

مواد و روش‌ها

مواد پژوهش حاضر، قصاید عطار است که از میان آنها به قصاید عرفانی او برای رسیدن به مباحث انسان‌شناسی، توجه خود را معطوف کرده است. پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای-توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

نتایج و بحث

انسان‌شناسی از موضوعاتی است که عطار آن را مورد توجه قرار داده است.

رویکردهای عطار به انسان

عطار نیشابوری دو رویکرد متفاوت نسبت به انسان دارد و از دو جنبه ابعاد وجودی او را مورد توجه و نظر قرار می‌دهد. در رویکرد نخستین نگاه منفی به انسان دارد و به تحقیر او می‌پردازد اما در رویکرد دیگر به جایگاه ویژه و ممتازی انسان در نظام هستی توجه دارد.

۱- رویکرد مادی

عطار نیشابوری در این رویکرد انسان را سزاوار تحقیر می‌داند؛ اما در این مورد موضوعات و مباحثی را دنبال می‌کند که در جهت زدودن غبار غرور و تکبر از چهره انسان است. به طور کلی او با غرور و خودبینی انسان سر ستیز دارد و همیشه آدمی را اسیر باد غرور می‌بیند:

باد غرور از سر تو کی شود برون؟ تا ندروند از تو سر تو چو گندنا

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۲۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

غرور برای موجودی که در ابتدا از خونی بسته به وجود آمده و سر انجام اسیر خاک خواهد گشت معنایی نمی‌یابد:

از خون رسیدی اول و آخر شدی به خاک بنگر که اولت چه بد و آخرت کجا

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۲۵)

عطار ذیل رویکرد مادی مباحثی را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱-۱- انسان در برابر عظمت حق

عطار برای شکستن غرور و تکبر انسان او را در برابر عظمت خداوند قرار می‌دهد و بدیهی است در این مقایسه انسان هیچ قدر و منزلتی نمی‌یابد:

چون هیچ جایی نیست که او نیست جمله اوست چون جمله اوست کیستی آخر تو بی نوا

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۲۲)

۱-۲- ناتوانی انسان از درک خدا

همان گونه که قبلاً اشاره شد عطار معتقد است انسان راهی به شناخت خداوند ندارد و او را از درک و فهم وجود بی‌نهایت خداوند ناتوان می‌بیند و همین موضوع یکی از دلایل شکل‌گیری رویکرد منفی عطار به انسان است:

یک ذره سایه‌ای و تو خواهی که آفتاب در برکشی رواست ببر درکشی هلا

چیزی که پی نمی‌بری از پی مدو بسی و از خود مکن قیاس حق و بیش در میا

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۲۲)

۱-۳- انسان گرفتار فتنه و بلا

درکشف‌المحجوب در مورد «بلا» گفته شده:

به بلا امتحان تن دوستان خواهند، به گونه‌گونه مشقت‌ها و بیماری‌ها و رنج‌ها که هرچند که هر چند بلا بر بنده قوت بیشتر پیدا می‌کند قربت زیادت می‌شود و با حق تعالی، که بلا لباس اولیاست و کدواده اصفیا و غذای انبیاء، ندیدی که پیغمبر(ص) گفت: اشد البلاء تالان‌نبیاء ثم اولیاء ثم الامثل، و فی‌الجمله، بلا نام رنجی باشد که بر دل و تن مؤمن پیدا شد که حقیقت آن نعمت بود. (هجویری، ۱۳۸۵، ص. ۵۰۳)

عطار در رویکرد منفی خود به انسان او را گرفتار انواع فتنه و بلا می‌بیند که راهی برای گریز از آنها ندارد:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

فرزند آدم است که هر جا که فتنه‌ای است در هر دو کون هست سوی او نهاده سر
صد گونه رنج محنت و بیماری و بلا صد گونه قهر و غصه و جوف و غم و ضرر
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۶)

۴-۱- انسان اسیر خشم، کینه و حرص

یکی دیگر از ویژگی‌هایی که باعث شده نگاه منفی به انسان داشته باشد، اسیر بودن در دام خشم و کینه که هر کدام سبب می‌شود
انسان عملی ناشایستی خود بروز دهد. «خشم ظهور صفات قهر را گویند.» (سجادی، ۱۳۸۳، ص. ۳۲۵)

در وقت خشم از دلش آتش چنان جهد کاندر سخن معاینه می‌افکند شرر
در وقت کینه گر بودش بر حسود دست قهرش چنان کند که هبا گردد و هدر
در وقت حرص تا که به دست آورد جوی گویی که هست هر سر مویت دیده‌ور
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۶)

۵-۱- انسان وارث طمع

عطار انسان را میراث دار، ارث شومی می‌داند که از آدم ابوالبشر به او رسیده است که همراه آن غم و غصه‌ای بر انسان روان گردید:
آدم از یک دانه سیصد سال خون از دیده ریخت تا اجازت آمدش کان دانه گرخواهی بکار
چون پدر او بود ما را نیز میراث از اوست چون توانی بود بی غم لقمه‌ای را خواستار
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۸)

۲- رویکرد متعالی

عطار رویکرد دیگری هم به انسان دارد که کاملاً متفاوت با رویکرد قبلی است. او این رویکرد انسان را تحسین می‌کند و به جایگاهش
در پهنه گیتی می‌پردازد. در این مورد نیز موضوع و نکات مهمی قابل توجه است.

۲-۱- جایگاه والای انسان در نظام هستی

اولین نکته مهمی که عطار در این دیدگاه نسبت به انسان دارد، پرداختن به جایگاه انسان در مقام آفرینش است. البته این مطلب در
آموزه‌های دینی و عرفانی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. عطار در این مورد لقب گوهر عالم را به انسان می‌دهد که باید در قلب و
مرکز دریای هستی جایگاه داشته باشد:

گوهر عالم تویی در بن دریا نشین پیش خسان همچو کوه بیش کمر بر میند

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۲)

عطار همچنین داستان سجده کردن ملائک بر آدم را یادآور می‌شود و به انسان توصیه می‌کند که این جایگاه را به راحتی از دست ندهد:

سجده تو را کرده‌اند خیل ملائک به جمع چشم بدان را بسوز بر سر مجمع سپند

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۲)

عطار همچنین در نگاه متعالی خود به انسان، او را فرع عالم صغری و اصل عالم کبری می‌نامد و موجودی ارجمندتر از او نمی‌بیند:

عالم صغری به فرع عالم کبری به اصل چشم تو و جان توست کیست چو تو ارجمند

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۲)

۲-۲- انسان پرورده حضرت حق

در این رویکرد خداوند پرورش دهنده و تعالی بخش وجود انسان است. عطار با عنایت به آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) انسان را تنها موجود تکریم یافته از جانب خداوند معرفی می‌کند؛ ولی انسان اسیر نفس ارزش خویش را نمی‌داند.

تو را خدا به کمال کرم پرورده تو از برای هوای نفس کرده‌ای پرواز

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۵۱)

۲-۳- حقیقت انسان متعالی

عطار در رویکرد متعالی خود به انسان با استفاده از داستان حضرت یوسف (ع) به بیان حقیقت وجود آدمی می‌پردازد و او را اسیر و گرفتار در چاه ظلمانی دنیای فانی می‌داند که باید از چاه‌رهایی یابد و راه سوی مصر که مثال عالم جان است شود:

الا ای یوسف قدسی برای از چاه ظلمانی به مصر عالم جان شو که مرد عالم جانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۲)

«یوسف قدسی در نزد متصوفه، مظهر روح پاک و اصل و جوهر روحانی و الهی انسان است که اسیر و زندانی تن و دنیاست و باید این زندان را بشکند و از آن آزاد شود» (پورنامداریان، ۱۳۶۷، ص. ۳۴) این یوسف قدسی اسیر چاه ظلمانی دنیا است در حالی که همگان در کنعان دلتنگ اویند:

به کنعان بی تو وا شوقاه همی گویند پیوسته تو که دل بستۀ چاهی و گه در بند زندانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پیراهن در داستان حضرت یوسف نقش مهمی را ایفا می‌کند و در سه موقعیت مهم در داستان مطرح می‌شود. نخستین مرتبه پیراهن خونی یوسف (ع) در ماجرا حاضر می‌شود و گناه کشتن یوسف بر گردن گرگ می‌افتد مرتبه دوم یوسف (ع) مورد اتهام قرار می‌گیرد که با شهادت یکی از نزدیکان عزیز مصر از تهمت رهایی می‌یابد و پیراهن سوم که موجب شفای چشم یعقوب نبی می‌گردد. حال عطار از این یوسف قدسی که به حقیقت وجود خود پی برده می‌خواهد که پیراهنی روی طالبان حقیقت بفرستد تا توسط آن چشم‌هایشان پر نور گردد.

برو پیراهنی بفرست از معنی سوی کنعان که تا صد دیده دریک دم شود زان نور نورانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۲)

عطار باز هم از داستان تمثیلی دیگری بهره می‌گیرد تا حقیقت وجود انسان را به تصویر بکشد و این بار به داستان باز و پادشاه با پیرزن گریزی می‌زند که مولانا نیز آن را در مثنوی بیان کرده است. بازی تیزپرواز و زیبا می‌گریزد و به کلبه محقر یک پیرزن پناه می‌برد. پیرزن از سر دلسوزی پرها و ناخن‌های او را کوتاه و او را محبوس می‌کند در آن سو، پادشاه به هر سو سر می‌کشید تا باز را بیابد تا آنکه بالاخره در واپسین ساعات روز آن را در خانه پیرزن می‌یابد و او را سرزنش می‌کند که چرا آن کاخ با عظمت را رها کرده و به خانه این پیرزن آمده است. این حکایت پیش از مولانا در اسرارنامه عطار و کتب دیگر چون کشف المحجوب ذکر شده است. در این حکایت تمثیلی، پادشاه نماد خداوند است که انسان را به عرش کبریایی خود فرا می‌خواند و در پی اوست؛ باز نماد انسان است که جایگاهی جز دست پادشاه و آشنایی جز کاخ با عظمت او ندارد و پیرزن نماد دنیاست که بال و پر انسان را می‌گیرد و او را گرفتار می‌کند و از دسترسی به جایگاه اصلی خود باز می‌دارد. توصیه عطار به این باز تیز پرواز این است که در بند قفس و وجود دنیای فانی نباشد زیرا سزاوار دست و کاخ پادشاه است.

برو بند قفس بشکن که بازان را قفس نبود تو در بند قفس ماندی چه باز دست سلطانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۲)

در گذشته پادشاهان چیزی شبیه کلاه بر سر باز قرار می‌دادند تا پرواز نکند و زمان شکار آن را از سرش باز می‌کردند تا با نگاه تیزبین خود شکار را بیابد. عطار نیز انسان را همان باز شکاری می‌داند و این کلاه را مانع درک حقیقت وجودی انسان می‌داند:

تو بازی و کله داری نمی‌بینی جهان اکنون ولی چون بی کله گردی بینی آنچه می‌دانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۲)

در واقع عطار از مخاطب خود بینش و بصیرت می‌خواهد. بینش و بصیرت انسان به حقیقت وجودی خود وقتی شکل بگیرد و به هرآنچه لازم است آگاهی یابد آن‌گاه خود را شاد می‌بیند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چو شد ناگاه چشمت باز و دیدی آنچه دانستی

ز خوشی گه به جوش آبی ز شادی گه پر افشانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۲)

۳- روح و تن انسان

در نگاه اندیشمندان و متفکران انسان موجودی است که از ترکیب روح و تن به وجود آمده است که در ارتباطی تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند. تن یا جسم یا بدن به مجموعه اعضای یک موجود زنده اطلاق می‌شود. روح جز دیگر وجود آدمی است که حتی برخی وجود خارجی آن را منکر می‌شوند و انسان را همین وجود مادی و جسمانی تصور می‌کنند که در نهایت با مرگ نابود می‌شود. اما به اعتقاد برخی دیگر که درست به نظر می‌رسد، تمام انسان در این وجود مادی خلاصه نمی‌شود بلکه جز دیگر وجود انسان یعنی روح را نیز شایسته توجه و دقت نظر می‌دانند. افراط و تفریطها موجب جدال و اختلاف نظر این دو گروه شد و هر کدام اصالت را به یک بعد انسان اختصاص دادند. حال این موضوع را از دیدگاه عطار بررسی می‌کنیم.

۳-۱- ارتباط جسم و روح

همان‌گونه که عطار در معرفت‌شناسی راه اعتدال را در پیش گرفت؛ در مورد ابعاد وجود انسان یعنی روح و جسم، به ارتباط نزدیک آنها معتقد است و اصالت را به یکی از آنها نمی‌دهد. در نظر او روح و تن باید در ارتباطی فعال با یکدیگر حرکت کنند تا روح بتواند به درک حقایق دست یابد و اگر این پیوستگی صورت نپذیرد هر کدام از این دو مانند پوست بی‌صدایی است که تا به دایره دَف نپیوندند نباید توقع صدایی خوشی را از آنها داشت:

بی وصال تن نباشد روح را گفت و شنید پوست را نبود صدایی گر جدا از چنبر است

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۳۷)

هر چند روح و تن باید در یک مسیر حرکت کنند تا به دریافت معارف نائل گردند اما این دو در ذات و اساس خود با یکدیگر متفاوت‌اند و در نهایت تن نابود شدنی و روح ابدی است و این دو اگر چه مدتی با هم هستند ولی از هم جدا خواهند شد:

جان و تن یاران هم بودند مدتی عاقبت از هم جدا خواهند شد این هر دو یا

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۴۹)

خو کرده‌اند جان و تن از دیرگه به هم خواهند شد هر آینه از یکدیگر جدا

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۲۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اما به اعتقاد عطار چون این دو در اصل و بنیاد خود با یکدیگر در تضاد قرار خواهند گرفت، زیرا یکی از جهان دیگر است و دیگری فانی و رفتنی، در نهاد انسان با هم به سازش نخواهند رسید و این عدم سازش باعث می‌شود انسان به بیماری‌های بسیاری دچار شود:

بسی قرار نگیرند جان و تن با هم که تن ز دار غرور است و جان ز دار قرار
چو جان و تن بنسازند آدمی پیوست گهی حزین و گهی دردمند و گه بیمار
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۵۴)

عطار در مورد پیوستگی و هم‌دستانی روح و تن از تشبیه بهره می‌برد و در یکی از قصایدش که در واقع یکی از تجارب عرفانی اوست تن را به رخس، مرکب راهور و هوشیار رستم و جان را به رستم تشبیه می‌کند؛ که آنها را هم‌عنان و هم‌سو با فلک دوار یافته است:

رخس تن را که رستمش جان است با فلک هم‌عنان همی یابم
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۶۶)

۲-۳- مرغ روح

عطار روح و جسم را با هم به کار می‌گیرد تا در نهایت روح بتواند به درجات‌اعلای وجودی دست یابد اما عطار نیز همچون دیگر عرفا گوهر ارزشمند ضمیر انسان را همان روح می‌داند که باید پرورش یابد و راه را برای رشد آن هموار کرد. او نیز در پی سامان دادن شرایط برای رشد روح است تا به سوی عرش پرواز کند:

ای مرغ روح برپر از این دام پر بلا پرواز کن به ذروه ایوان کبریا
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۲۴)

در نگاه عطار مرغان جان‌آدمیان، در نهایت آشیانی جز عرش الهی نخواهند داشت و این چیزی است که خداوند از ازل برای روح قرار داده است.

چون جان و دل پرداختی تن‌ها به خاک انداختی
مرغان جان را ساختی عرش آشیان سبحانه
(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۶۹)

۳-۳- پرورش مرغ روح

روح ملکوتی انسان نیازمند شرایطی است تا بتواند بال بگشاید و به سوی مکانی که لایق اوست برسد که به آنها اشاره می‌کنیم.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۳-۴- اطاعت از مردان دین

عطار اطاعت و خدمت به مردان دین را یکی از شروط لازم برای پرورش روح می‌داند و این عمل را موجب عزتمندی می‌داند:

حلقه در گوشی شو اندر حلقه مردان دین تا شود بر جان تو خورشید عزت آشکار

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۵۰)

۳-۵- مبارزه با نفس

عطار همواره با نفس سر ستیز دارد و آن را همچون اژدهایی هفت سر می‌داند که با روح انسان جدال و جنگی همیشگی دارد:

هست نفس شوم تو چون اژدهای هفت سر جان تو با اژدهای هفت سر در ششدر است

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۳۷)

۳-۶- پرهیز از غفلت

لزوم حرکت و در جا نزدن در مسیر پرواز روحانی و دوری از تن‌آسایی و تنبلی از جمله توصیه‌های عطار برای کسانی است که می‌خواهند روح خود را آماده پرواز تا بی‌نهایت کنند و آه حسرت نصیبتان نگردد:

تو آخر در چنین چاهی چرا بنشینی از غفلت

زهی حسرت که خواهد دید جانت زین تن آسایی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۲)

۳-۷- دوری از اندیشه‌های بد

در نظر عطار اندیشه بد یکی از آفاتی است که دل و جان را به خود مشغول می‌سازد و از موانع پرواز روح ملکوتی انسان به شمار می‌رود و توصیه عطار هم دوری از این نوع افکار بد است که جان و دل را می‌رنجانند:

اگر کوهی و گر کاهی نخواهی ماند در دنیا پس از اندیشه‌های بد دل و جان را چه رنجانی

(عطار، ۱۳۹۲، ص. ۷۳)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نتیجه گیری

عطار دو رویکرد متضاد به انسان را دارد. در رویکرد مثبت، او انسان را موجودی ضعیف در برابر عظمت خدا، گرفتار فتنه‌ها، اسیر کبر و غرور می‌داند اما در رویکرد متعالی، انسان گوهر عالم، پروده و تکریم شده حضرت حق و همانند بازی تیزپرواز است که جایگاهی جز دست پادشاه ندارد. در نظر عطار انسان موجودی مرکب از جسم و روح است و او فقط جانب روح را نمی‌گیرد اما معتقد است که مرغ روح باید در جهت پرواز به سوی اعلا علیین پرورش یابد و برای پرورش روح، انسان را به اطاعت از مردان حق، دوری از اندیشه‌های بد، پرهیز از غفلت و ... توصیه می‌کند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امینی‌نژاد، علی، آشنایی با مجموعه عرفان اسلامی، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۴
۳. انصاری، قاسم، مبانی عرفان و تصوف، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۵
۴. زرشناس، شهریار، مبانی نظری غرب مدرن، تهران، نشر کتاب صبح، ۱۳۸۱
۵. سجادی، جعفر، فرهنگ اصلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۸۳
۶. عطار، محمدبن ابراهیم، دیوان، به اهتمام و تصحیح تقی تفضلی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۲
۷. -----، دیوان، به اهتمام و تصحیح سعید نفیسی، تهران، گسترش فرهنگ و مطالعات، ۱۳۹۲
۸. فرید، محمدصادق، مبانی انسان‌شناسی، تهران، انتشارات پشتون، ۱۳۸۰
۹. گرامی، غلامحسین، انسان در اسلام، قم، نشر معارف، ۱۳۹۲
۱۰. مشایخی، کبری، انسان‌شناسی در ابعاد فلسفی عرفانی و علمی، تهران، انتشارات مینوفر، ۱۳۹۴
۱۱. یوسفی، محمدرضا، محسن محمدی، شرح حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول، ۱۳۹۸

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature